

درباره وضعیت سیاسی کنونی

مقالات این شماره‌ی رهائی همانگونه که در مقدمه‌ی کوتاه شماره ۱۶ (خرداد ۶۸) اشاره کردیم، مدتی پیش آماده شده بود که به دلیل مرگ خمینی و تحولات در پی آن انتشار آن تاکنون به تعویق افتاد. ما خواهیم کوشید در شماره‌های آینده وضعیت سیاسی کنونی را مورد بحث بیشتری قرار دهیم. به امید اینکه مقالات شماره‌ی حاضر بسا مقالاتی در باره‌ی سایر گروه‌های اجتماعی در آینده تکمیل شود و زمینه‌ی مناسبی را برای بحث در مورد شیوه‌های پیشبرد مبارزه فراهم آورد.



با تحولات سیاسی در ایران به دنبال مرگ خمینی و قرار گرفتن باند رفسنجانی - خامنه‌ای در رأس حاکمیت، دوران جدیدی از حاکمیت رژیم اسلامی آغاز شده است. سرعت عمل باند خامنه‌ای - رفسنجانی در تصرف مواضع قدرت بعد از مرگ خمینی - انتصاب خامنه‌ای بعنوان رهبر جدید امت حزب الله و ریاست جمهوری رفسنجانی، همزمان با تغییرات گسترده در قانون اساسی که وجه مشخصه‌ی آن قدرت بخشیدن به رئیس جمهور و رهبر و کم رنگ شدن نقش مجلس و ارگانهای مشابه بعنوان تنه‌ساز پایگاهی که جناح رقیب میتواند در آنها خودی نشان دهد، ظاهراً موفقیت ممتازی را برای از میدان بدر کردن حریف در اختیار باند حاکم قرار داده است. در این میان جناح مقابل علیرغم تمام کوشش خود نتوانست احمد خمینی را به طرز موثری در مقابل باند حاکم علم کند. از سوی دیگر واقعیت این است که حاکمیت اسلامی دوران پس از مخاطره‌ای را از سر میگذراند. حذف خمینی از معادله‌ی قدرت بعنوان یک فاکتور مهم تعدیل کننده‌ی اختلافات و آتوریت‌های موثر برای تحت انقیاد نگه داشتن مردم، رژیم را با تزلزلی ماهوی روبرو ساخته است. نمایشهای تکراری بیعت با امام جدید و ژست‌های مسخره‌ی خامنه‌ای در نقش تازه در هفته‌های اخیر بیش از اینکه مبین تثبیت باند کنونی در حاکمیت باشد، حاکی از این واقعیت است که باند حاکم برای پر کردن خلاء رهبری هنوز راه درازی در پیش دارد.

این وضعیت دوگانه، باند حاکم را وادار کرده که فعلاً تلاش خود را بیشتر معطوف همکاری با همه‌ی باندها و جناحها (بغیر از معدودی که سرآشتی ندارند) کنند.

سردمداران جدید بدرستی تشخیص داده‌اند که شرایط کنونی آنچنان متزلزل است که یک وحدت صوری برای حفظ کلی حاکمیت در برابر مخالفتها و حرکات اعتراضی هنوز بسیار ضروری است. بنابراین باید انتظار داشت که در انتصابات آتی کابینه و معاونان ریاست جمهوری بخشی از جناح حریف هم منتفع شود. وجه دیگر سیاستهای رژیم برای کاستن از شدت بحران در ماههای آتی را آغاز یک کارزار گسترده تبلیغاتی تشکیل خواهد داد که محور اصلی آن وعده و وعیدهای توخالی در مورد بهبود سریع وضعیت اقتصادی خواهد بود. چنین کارزاری بدون تردید و حداقل بطور موقت در بین اقشار میانه‌حال و بی چیز شهرنشین میتواند تا حدودی موثر باشد. رفسنجانی به‌یمن تبلیغات غرب در سالهای گذشته که توسط کارگزاران رژیم نیز آگاهانه بر آن دامن زده شده بعنوان یک "سیاستمدار میانه‌رو و دوراندیش" شناسانده شده است. در عین حال او خود نیز میدانند که چنین توهمهایی فقط تا آن زمان موثر خواهد بود که آشکار اولین شکستها آشکار نشده باشد و در وضعیت فعلی و ابعادی که بحران اقتصادی بخود گرفته است، این مدت بیش از چند ماه دوام نخواهد داشت. بنابراین، تردیسی وجود ندارد که همراه و همپای تبلیغات در مورد بهبود وضعیت معیشتی مردم، سیاست سرکوب گسترده حتی شاید با شدت و گستردگی بیشتری از آنچه تاکنون با آن سروکار داشته‌ایم، در آینده در سرلوحه برنامه‌های رژیم قرار گیرد. و هر اعتراضی حتی از صفوف خود رژیم با شدیدترین عکس‌العمل‌ها روبرو شود. سرنوشت عبدالمجید شرع پسند، نماینده‌نگون بخت و متوهم کرج در مجلس که تصور میکرد حربه‌ی "وابستگی به خانواده شهدا" هنوز هم برندگی سابق را دارد، می‌بایست درس عبرتی برای سایرین باشد. ظاهراً حریفان نیز درس لازم را آموختند.

ماه‌های آینده، دوران تلاش باندخامنه‌ای - رفسنجانی برای تحکیم قدرت و کسب تفوق هرچه بیشتر بر جناحهای رقیب خواهد بود. تصفیه‌ی گروه‌های ناراضی درون رژیم که دستشان از قدرت کوتاه شده در دستور کار قرار خواهد داشت. اما چه بسا که اختلاف بین اجزای ائتلاف حاکم، یعنی خامنه‌ای از طرفی و رفسنجانی از طرف دیگر، همچون سال‌های ۶۵-۱۳۶۴، بروز کند. در رابطه با مردم، لیکن، سیاست سرکوب سال‌های گذشته با وعده‌های شیرینی و "امتیازات" رفاهی بسیار سطحی همراه خواهد بود.